



طراحی الگوی آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان

دکتر سیدابراهیم راد^۱

۱- دکترای برنامه ریزی درسی، مدرس پردیس علامه طباطبایی اردبیل، دانشگاه فرهنگیان، ایران

:

Ebrahimrad8@gmail.com

خلاصه

هدف این تحقیق طراحی الگویی مطلوب برای آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان بوده، طرح تحقیق کیفی و به روش نظریه داده بنیاد انجام شده است. جمع آوری داده‌ها با روش همسوسازی منابع چندگانه مشتمل بر جمع آوری مبانی نظری، اصول زیربنایی مربوط به متغیر پژوهش، تحقیقات انجام شده در این زمینه و پیمایش نظرات آگاهی دهندگان کلیدی، انجام شده و به کمک نرم افزار Nvivo11 فرایند چرخه‌ای تحلیل طی سه مرحله کدگذاری داده‌ها در نظریه زمینه‌ای (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) صورت گرفته تا ابعاد و مقوله‌های اصلی آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان به دست آید این ابعاد و مقوله‌ها شامل نه بُعد و ۲۸ مقوله بوده که عبارتند از: مدیریت زیست محیطی؛ آموزش و یادگیری پایدار؛ مشارکت، همکاری و گفت‌وگو؛ مدیریت و برنامه ریزی پایدار؛ پایداری اجتماعی؛ پژوهش و نوآوری پایدار؛ ارزیابی و گزارش‌دهی پایدار؛ اداری و مالی پایدار و پایداری فرهنگی. الگوی ارائه شده در این پژوهش متناسب با نظام آموزش عالی و دانشگاه فرهنگیان بوده و در آن علاوه بر توجه به هر سه رکن پایداری (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) بعد فرهنگی نیز لحاظ شده است، بنابر این پیشنهاد می‌شود تمام ابعاد توسعه پایدار به طور یکسان و متعادل در دانشگاه فرهنگیان مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آموزش عالی پایدار، دانشگاه پایدار، توسعه پایدار، دانشگاه فرهنگیان پایدار

مقدمه

در سال‌های اخیر، سه رکن اساسی برای توسعه پایدار مطرح شده است: حفظ محیط زیست طبیعی، حفظ ثبات اقتصادی و مشاهدهی ملاحظات خاص اجتماعی. بر این اساس، باید توجه نمود که توسعه پایدار مترادف با محیط زیست نیست. زیرا ارکان اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار از اهمیت یکسان برخوردارند و نباید یک رکن را بر دیگر ارکان اولویت داد، افزون بر این، توسعه پایدار فرایندی تحولی است که به واسطه آن کیفیت زندگی مردم بهبود می‌یابد و یک نوع تعادل پویا بین ابعاد اجتماعی و اقتصادی با حفظ و صیانت از محیط زیست طبیعی ایجاد می‌شود (Lozano García, Kevany, & Huisingsh, 2006).

بعد از پیدایش اصطلاح توسعه پایدار در اسناد بین المللی در دهه ۸۰ میلادی، به تدریج دیگر نهادهای جامعه (نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی) به تلفیق پارادایم جدید توسعه در اسناد راهبردی خود پرداختند، و با ورود مفهوم توسعه پایدار در محیط‌های آموزش عالی اصطلاح آموزش عالی پایدار و دانشگاه پایدار مطرح شد. برای دستیابی به آرمان‌های توسعه پایدار^۱، نظام آموزش عالی باید به عنوان یک نظام پیشرو و الگوی سازمان‌ها و نهادهای دیگر در تلفیق پایداری در برنامه‌ها و فعالیت‌های روزمره خود پیشگام باشد (ملکی نیا، بازرگان، واعظی، & احمدیان، ۱۳۹۳).

مدارس پایدار بچه‌ها را توانمند می‌سازند تا زندگی پایداری داشته باشند و به آنها مهارت‌ها و رفتارهایی را می‌آموزد که آنها برای اینکه بخشی از راه حل چالش‌هایی نظیر تغییر اقلیم باشند به آن نیاز دارند. با پایدار شدن مدارس، در مصرف انرژی و آب و هزینه های مالی صرفه‌جویی می‌شود. به طور همزمان پایداری به بهبود بهداشت، رفاه عاطفی و جسمی دانش آموزان کمک می‌کند و کیفیت زندگی آنها را در آینده تضمین می‌نماید. مدارس بخشی از جامعه هستند و پایداری آنها را قادر می‌سازد تا جامعه محلی را کمک نمایند مکانی سالم‌تر، ایمن‌تر و سبزتر برای زندگی باشند. انتظار یک جامعه پایدار بدون داشتن مدارس پایدار امری بعید است (مادول ۲، ۲۰۰۸، به نقل از کریمی و عنایتی، ۲۰۱۲). در چارچوب مدرسه پایدار سه عامل مهم انسانی رهبران مدرسه، معلمان و دانش آموزان می‌باشند. هر یک از این گروه‌ها در موفقیت شیوه‌ها و اقدام‌های مدرسه سبز نقش دارند. نگرش رهبران

¹ Sustainable Development Goals (SDGS)

² Module





مدرسه در آغاز یک برنامه جدید در راستای مدرسه سبز و پایدار، خیلی تعیین کننده است. معلمان، کسانی هستند که نقش مهمی در انجام اقدامات مدرسه سبز و پایدار با پیوند رهبران مدرسه و دانش آموزان با همدیگر ایفا می کنند. علاوه بر این، دانش آموزان هسته اصلی چارچوب این مدرسه ها هستند. اگر دانش آموزان تمایلی به مشارکت نداشته باشند و آگاهی ضعیفی از حفاظت از محیط زیست داشته باشند، رسیدن به مدرسه سبز و پایدار میسر نخواهد بود (Lozano García et al., 2006).

دانشگاه فرهنگیان به دلیل تربیت نیروی انسانی آموزش و پرورش به طور مستقیم (مدیران، معلمان و سایر منابع انسانی) و تربیت دانش آموزان مدارس توسط این نیروی انسانی تربیت شده دانشگاه، به طور غیر مستقیم در راه اندازی موفق مدارس سبز و پایدار و ایجاد جامعه سبز و پایدار نقش ایفا می کند. از آن جا که برنامه های راهبردی دانشگاه فرهنگیان منطبق بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می باشد و در این سند به ساحت های تربیت زیستی و تربیت بدنی، تربیت اقتصادی و تربیت اجتماعی اشاره شده و سه رکن اصلی توسعه پایدار نیز پایداری زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی را شامل می شود، به همین خاطر دانشگاه فرهنگیان باید در تلفیق پایداری زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی در همه فعالیت های خود تلاش کند. بنابراین، با توجه به ضرورت شناسایی مؤلفه های دانشگاه پایدار متناسب با بافت نظام آموزش عالی کشور و نیز نبود چارچوبی جامع و نظام مند به منظور سازماندهی و راهبری تلاش های مربوط به آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان، در این پژوهش تلاش شده تا الگوی مطلوب برای تلفیق مؤلفه های توسعه پایدار در دانشگاه فرهنگیان عرضه شود.

سوال های پژوهش:

سوال کلی: مؤلفه های آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان و الگوی مطلوب آن چیست؟

سوال های فرعی:

- مؤلفه های آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان کدام اند؟
- سهم هر یک از مؤلفه های آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان به چه میزان است؟
- الگوی مطلوب آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان کدام است و اعتبار آن چگونه است؟

به اعتقاد پرمن (۱۳۸۲) توسعه پایدار، توسعه ای است که به موجب آن هر نسلی، آب، هوا و منابع زمین را حفظ کند و آن گونه است که فرایند توسعه که در آن صرف منابع طبیعی و زیست محیطی نسل کنونی، سبب کاهش امکان مصرف این منابع توسط نسل های آینده نشود. در این نگاه، مفهوم فلسفی توسعه پایدار، مبتنی بر فلسفه عدالت بین نسلی در استفاده از محیط زیست است. این فلسفه محور توسعه پایدار است که ما محیط زیست را از نسل های آینده به عاریت گرفته ایم و باید همان ظرفیت محیط زیست موجود را از طریق لحاظ کردن در برنامه ریزی های توسعه به آیندگان تحویل دهیم. برنامه ریزی فعالیت ها و عملیات اقتصادی باید به گونه ای باشد که خدشه ای در این امانت داری ایجاد نکند (فراهانی فرد، ۲۰۱۰). به گفته جان استون^۱ (۲۰۰۷) اگر چه تاکنون مدلی جهانشمول و کاربردی برای پایداری و توسعه پایدار به وجود نیامده، اما با در نظر گرفتن چشم اندازی وسیع تر، حتی می توان گفت که توسعه پایدار، فرایندی است که دارای ابعادی بیش از شاخص های مرسوم اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی است؛ قیلدر (۲۰۰۴) این ابعاد را: فراهم آوری مشاغل با درآمد مناسب و بهبود دهنده توزیع درآمد، کاهش نابرابری اجتماعی، ارتقای سطح بینش و توانمندی های سیاسی شهروندان، افزایش کیفیت خدمات بهداشتی، کاهش مصرف مواد مخدر و غیره معرفی می کند. (روشن و دیگران، ۱۳۹۳). با توجه مطالب مطرح شده، مفهوم آموزش عالی پایدار به طور عام و دانشگاه پایدار به طور خاص برگرفته از پارادایم توسعه پایدار و نقشی است که در این پارادایم برای این نهادها تعریف و تعیین شده لذا این مطالب پیش مقدمه ای بود برای ورود به موضوع های اصلی یعنی آموزش عالی پایدار و دانشگاه پایدار. آموزش عالی می تواند نقش رهبری در آماده کردن دانشجویان و فراهم کردن اطلاعات و دانش برای حرکت به سوی یک آینده پایدار داشته باشد. آینده ای که:

- همه انسان های حال و آینده، سالم باشند و نیازهای اساسی شان را مرتفع کند.
- همه انسان ها، دسترسی منصفانه به منابع زمین و به یک کیفیت زندگی مطلوب داشته باشند.
- متخصصان و مهندسان آینده، فناوری و فعالیت های حرفه ای خود را به گونه ای طراحی نمایند که در جهت حفظ و پایداری محیط طبیعی، افزایش سلامت انسان و بهبود کیفیت زندگی آن ها، و نه در جهت تخریب و کاهش این موارد باشد.
- متخصصان، ارتباط خودشان را با جهان طبیعی و انسان های دیگر درک کنند.
- با الهام از مدل های زیستی، فناوری طراحی و با انرژی منابع تجدید شونده عملیاتی شوند.
- مفهوم ضایعات این گونه است که ضایعات، ماده خام یا ماده غذایی برای گونه ها یا فعالیت های دیگر است و یا به درون چرخه طبیعت باز می گردد.

¹ Johnston





- مدیریت فعالیت های انسانی به شیوه ای صورت گیرد که تنوع زیستی را حفظ و افزایش دهد و پیچیدگی اکوسیستم ها را حفظ کند.

- همه نسل های حال و آینده، فرصتی برای تشخیص پتانسیل های فردی، اجتماعی و انسانی شان داشته باشند (Cortese, 1997)

انجمن رهبران دانشگاهی برای آینده پایدار (۲۰۰۹)، بیان داشته است که تلفیق پایداری در آموزش عالی می تواند در چندین بعد صورت گیرد که شامل مأموریت و چشم انداز، برنامه درسی، پژوهش، خدمات اجتماعی، فعالیت های روزمره، توسعه حرفه ای کارکنان و اعضای هیأت علمی و فرصت های فراغت دانشجویان، می باشد. همچنین، برخی از محققان نیز این ابعاد را کلی تر در نظر گرفته و آن ها را شامل آموزش، پژوهش، عملیات روزمره، خدمات اجتماعی و مأموریت، عنوان نموده اند (ار، ۲۰۰۰) و (کوهن آ، ۲۰۰۷). آموزش عالی، به عنوان پاسخی برای چالش های مطرح شده تلقی می شود. آموزش عالی باید جامعه را به سوی تولید دانش و مهارت جهانی برای مواجهه با مسایل مرتبط با امنیت غذایی، تغییرات آب و هوایی، مدیریت آب، انرژی تجدید پذیر، تنوع زیستی، بهداشت، نابرابری اجتماعی و غیره، سوق دهد که به تغییر جهتی در فرآیندهای یادگیری نیاز دارد. برای رسیدن به این هدف به یک فرهنگ جدید یادگیری نیاز است که به سوی توانمندسازی و خودسازماندهی حرکت کند (فهام و رضوانفر، ۱۳۹۴).

دانشگاه پایدار یک مؤسسه آموزش عالی است که به مثابه یک سیستم یا یک زیرسیستم در سطح منطقه ای یا جهانی فعالیت می کند، در استفاده از منابع سازمانی به منظور انجام دادن کارکردهای آموزشی، پژوهشی و ارائه خدمات تخصصی به جامعه، حداقل سازی آثار منفی زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی را سرلوحه اقدامات خود قرار داده و در کمک به جامعه برای گذار به سبک زندگی پایدار پیشگام است (Richardson & Kachler, 2012).

رادم، فقیهی، ناطقی، & معینی کیا (۱۳۹۶) با مطالعه ۱۵ مقاله داخلی مربوط به دانشگاه پایدار به روش سنتز پژوهی (فرا ترکیب)، ۲۰۳ مورد از شاخص های پایداری دانشگاه ها را در ۲۵ مولفه و ۸ بعد سازماندهی مشخص کرده اند. نتایج تحقیق آن ها نشان داده که: از میان ۸ بعد مطرح شده در خصوص ابعاد آموزش عالی پایدار، نظام مدیریت زیست محیطی پردیس مهمترین و نظام اداری، مالی پایدار کم اهمیت ترین بعد در چارچوب ترکیبی استخراج شده آموزش عالی پایدار قرار دارند. پس از نظام مدیریت زیست محیطی پردیس، به ترتیب آموزش پایدار، مشارکت کنندگان، نظام مدیریتی پایدار، نظام سرمایه اجتماعی، نظام پژوهش پایدار، نظام نظارت، ارزیابی و گزارش دهی و در آخر بعد نظام اداری و مالی قرار دارد. یافته های تحقیق گویای آن است که در پژوهش های صورت گرفته در ایران به بعد زیست محیطی توسعه پایدار بیشتر از بعد اجتماعی و اقتصادی توجه شده است.

ملکی نیا و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با هدف شناسایی الگوی مفهومی دانشگاه پایدار و مشخص کردن اجزاء الگوی ارزیابی دانشگاه پایدار هفت سوال پژوهشی مطرح کرده و با استفاده از روش پژوهش آمیخته به شیوه اکتشافی به آنها پاسخ داده است. نتایج پژوهش وی نشان دهنده این است که دانشگاه پایدار دارای شش عامل اصلی، «آموزش پایدار، پژوهش پایدار، حکمرانی با رویکرد پایداری، سیستم مدیریت زیست محیطی (EMS)، تأمین مالی پایدار و ارائه خدمات تخصصی توسعه پایدار به جامعه» است که می توان آن را با ۳۴ ملاک و ۸۱ نشانگر مورد ارزیابی قرار داد.

صادقی (۱۳۹۲) در پژوهشی کاربردی با عنوان «ارائه الگویی برای دانشگاه پایدار در دانشگاه آزاد اسلامی» با روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا با مطالعه پیشینه بین المللی و ملی در این زمینه و نیز برنامه پنج ساله و سند چشم انداز دانشگاه آزاد اسلامی تعدادی مولفه استخراج کرده و از میان این مولفه ها، ۱۴ مؤلفه اصلی را به روش دلفی از طریق مصاحبه و مکاتبه با ۳۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و نیز اعضای هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برای «دانشگاه پایدار» شناسایی کرده است که عبارت اند از: ۱. دیدگاه آرمانی، مأموریتها و سیاستهای پایداری در دانشگاه؛ ۲. ساختار و تشکیلات و مشارکت گروههای ذینفع در خصوص پایداری در دانشگاه؛ ۳. آموزش برای تحقق پایداری؛ ۴. پژوهش برای تحقق پایداری؛ ۵. مدیریت منابع؛ ۶. مواد غذایی و بازیافت؛ ۷. عمران و ساخ تو ساز سبز؛ ۸. زندگی و مشارکت دانشجویی؛ ۹. حمل و نقل؛ ۱۰. استانداردها؛ ۱۱. نظامهای اطلاعات مدیریت توسعه پایدار در دانشگاه؛ ۱۲. آزادی علمی، انتخاب و ارتقای شایسته؛ ۱۳. حقوق و مسئولیتهای روشن؛ ۱۴. پاسخگویی. او در نتیجه گیری خود اذعان می کند که هیچ یک از مولفه ها دارای ارزش یا برتری خاصی نسبت به دیگری نیستند بلکه مجموعه ای مولفه ها هستند که دانشگاه پایدار را تشکیل می دهند.

تعدادی از پژوهشگران در پژوهشی به جستجوی یک نظام آموزش عالی پایدار کشاورزی پرداخته اند، نتایج تحقیق آن ها نشان داد که نظام آموزش عالی کشاورزی برای پایدار بودن نیازمند مهیا بودن یک سری عوامل، ویژگی ها و شرایطی است که مهم ترین این عوامل در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی عبارتند از: عوامل مالی و اعتباری، اشتغالزایی و کارآفرینی، بهره وری کشاورزی، مسایل اجتماعی، فرهنگ سازی، آگاه سازی زیست محیطی. همچنین یک نظام آموزش عالی پایدار کشاورزی می بایست چهار رکن اصلی یعنی آموزش، پژوهش، مدیریت و برنامه ریزی و مرکز پایداری را در شرایطی ایجاد نماید که این ارکان علاوه بر این که با یکدیگر در ارتباط دو طرفه باشند با شرایط محیط و جامعه نیز در ارتباط دو طرفه بوده تا بتوانند برنامه های خود را مطابق شرایط و نیازهای واقعی جامعه سازگار نمایند (موحدی، شبانی، & فتحی، ۱۳۹۱).

1 Orr

2 Cohen





آرroyo^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان « یک طبقه بندی جدید برای بررسی چند نقش از ارزیابی پایداری دانشگاه در تغییر سازمانی » به نقش مؤسسات آموزش عالی در انتقال به جامع پایدار و نقش مدیریت منابع انسانی و کنترل مدیریت زیست محیطی در این روند تغییر اشاره کرده است. وی با تمرکز بر فرآیندهای میکرو / داخلی در دو دانشگاه، به بررسی نقش چند بعدی ارزیابی پایداری پردیس در تغییر سازمانی و شناسایی عوامل تغییر در بهبود سیستم کنترل مدیریت زیست محیطی پرداخته است (Arroyo, 2017).

ابوبکر، الشهري و احمد (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی ارزیابی دانشجویان از پایداری پردیس در دانشگاه دمام، عربستان سعودی، پرداخته اند، به نظر آن‌ها مؤسسات آموزش عالی از عوامل اصلی در دستیابی به پایداری محیط زیست هم در داخل محیط های دانشگاهی و هم خارج از آن در جوامع بزرگ هستند. با این حال، دستیابی به پایداری دانشگاه بدون دخالت دانشجویان به عنوان یکی از سهامداران عمده دانشگاه ممکن نیست. آن‌ها در مطالعه خود به بررسی ارزیابی دانشجویان از اجزای پایداری دانشگاه: برنامه درسی و پژوهشی؛ عملیات محوطه دانشگاه و مشارکت اجتماعی پرداخته اند (Abubakar, Al-Shihri, & Ahmed, 2016).

دیوس، باتیستل و سیلوا (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «بینش پایداری از بیانیه های مأموریت دانشگاه های پیشرو برزیل» با بررسی بیانیه های مأموریت ۳۰ دانشگاه پیشرو برزیل از نظر مدل پایداری الشویختا و ابوبکر که شامل: سیستم مدیریت زیست محیطی، مشارکت عمومی و مسئولیت اجتماعی و پایداری آموزش و پژوهش می شد. به نظر آن‌ها دانشگاه های اندکی در بیانیه های مأموریت خود به جنبه های پایداری پرداخته اند، فقط ۱۰ درصد از دانشگاه ها نمره ۵ از ۹ را به دست آورده بودند (Deus, Battistelle, & Silva, 2016).

لوزانو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تعهد و اجرای توسعه پایدار در آموزش عالی: نتایج حاصل از یک بررسی در سراسر جهان» با بررسی ۶۰ عنوان مقاله علمی پژوهشی بین المللی در زمینه تلفیق توسعه پایدار در آموزش عالی، هشت طبقه بندی را برای تعهد و اجرای پایداری در دانشگاه ها معرفی کرده اند، این هشت قسمت شامل: پس زمینه؛ چارچوب نهادی؛ عملیات محوطه دانشگاه. آموزش؛ پژوهش؛ توسعه و همکاری؛ تجربه در دانشگاه؛ و ارزیابی و گزارش دهی است (Lozano et al., 2015).

با بررسی مبانی نظری و پژوهش های داخل و خارج کشور که در زمینه دانشگاه پایدار و ارزیابی پایداری در مؤسسات آموزش عالی انجام شده است می توان پی برد که ابعاد و مولفه های اصلی «دانشگاه پایدار» از نظر کمی و کیفی متفاوت است و هر یک از پژوهشگران به ملاک های متفاوتی اشاره داشته اند. یکی از مهمترین انتقاداتی که بر بیشتر پژوهش های انجام شده در زمینه دانشگاه پایدار و الگوهای ارزیابی پایداری دانشگاه ها متصور است، این است که در اکثر آن ها پایداری زیست محیطی نسبت به سایر عوامل و ملاک های دانشگاه پایدار پرننگ تر دیده شده است. اما باید توجه داشت که: دانشگاه پایدار برگرفته از مفهوم توسعه پایدار است که بر اهمیت برابر و توازن پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه تأکید دارد. بنابراین می توان گفت که دانشگاه پایدار باید مفاهیم و اصول توسعه پایدار را به طور متوازن، هماهنگ و به هم پیوسته تلفیق و یکپارچه سازد.

روش

این پژوهش بر اساس هدف، از نوع پژوهش های کاربردی و از نظر روش گردآوری و تحلیل داده ها روش تحقیق کیفی است. در این پژوهش، بر اساس روش نظریه زمینه ای، داده ها گردآوری، کدگذاری و مقوله بندی شده و الگوی پیشنهادی دانشگاه فرهنگیان پایدار طراحی گردید. جامعه ی آماری بخش کیفی برای مصاحبه، گروه های خبرگان علمی (صاحب نظران برجسته حوزه ی آموزش عالی کشور و مدیران ارشد دانشگاه فرهنگیان (معاونان یا مدیران کل سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان) بودند. برای انجام مصاحبه از روش نمونه گیری هدفمند و با رعایت قاعده اشباع نظری^۲ استفاده شد، بنابراین در کل از ۱۲ نفر مصاحبه صورت گرفت. برای گردآوری داده ها از روش همسوسازی، شامل مصاحبه های اکتشافی نیمه ساختارمند، بررسی متون علمی، کتب، مجلات، رساله های پژوهشی، تجارب ملی و بین المللی استفاده شده است. برای تحلیل داده ها از نرم افزار NVivo11 استفاده شد برای اعتبار پذیری الگوی بدست آمده اقدامات زیر انجام شد:

۱) تحلیل و بازبینی مقوله های بدست آمده توسط صاحب نظران و اساتید گروه نمونه^۳

۲) روش بازخورد مشارکت کننده که مبتنی است بر ارائه تفسیرها و تحلیل های محقق به مشارکت کنندگان در حین انجام مصاحبه، برای اصلاح و ویرایش مواردی که توسط محقق بد فهم شده اند، استفاده شد.

۳) تطابق همگونی یافته ها^۴ که در آن پژوهشگر از مشارکت محقق دیگری برای کدگذاری و بازبینی مقوله ها استفاده نمود.

¹ Arroyo

² Theoretical saturation rate

³ Member cheking

⁴ Triangulation





یافته‌ها

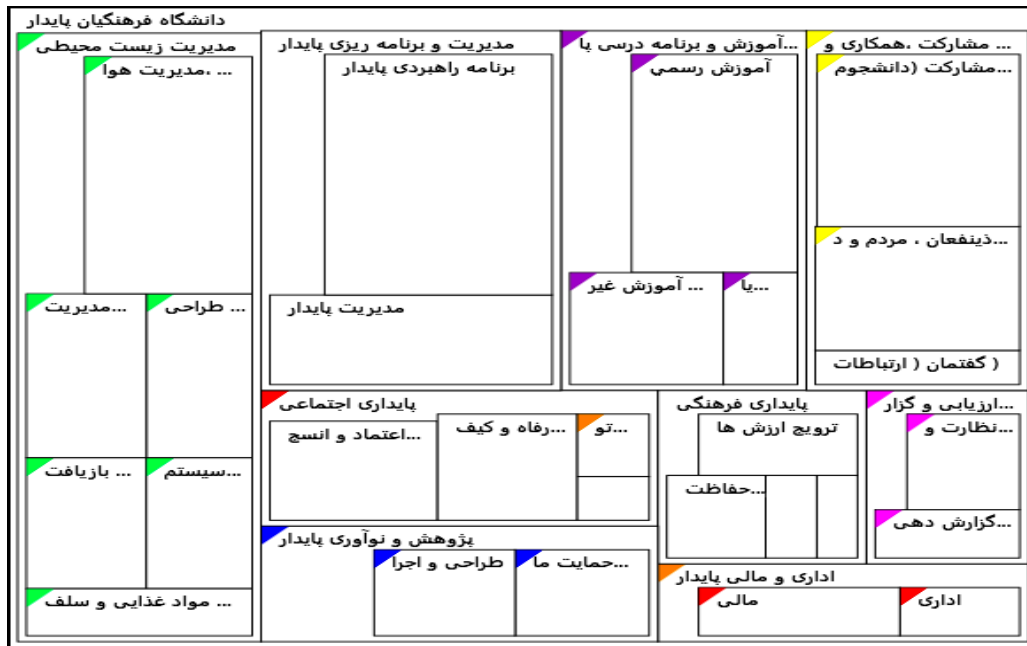
در شکل ۱ جمع بندی نهایی اطلاعات مولفه‌ها، مقوله‌های فرعی (مولفه‌ها) و اصلی (ابعاد) آورده شده است.

Nodes			
Name	Sources	Refer	
دانشگاه فرهنگیان پایدار	72	119	
مدیریت زیست محیطی	40	293	
مدیریت هوا، آب، زمین و انرژی	29	89	
مدیریت تدارکات و خرید امکانات	21	44	
طراحی و ساخت پردیس دانشگاه	17	39	
بازیافت زباله و ضایعات	22	35	
سیستم حمل و نقل پاک	19	31	
مواد غذایی و سلف غذا خوری	13	24	
مدیریت و برنامه ریزی پایدار	42	205	
برنامه راهبردی پایدار	37	121	
مدیریت پایدار	33	56	
آموزش و برنامه درسی پایدار	44	172	
آموزش رسمی	31	84	
آموزش غیر رسمی	20	40	
یادگیری	11	19	
مشارکت، همکاری و گفت‌وگو	42	155	
مشارکت (دانشجو، معلمان، کارکنان هیئت علمی و غیر)	32	79	
ذینفعان، مردم و دیگر نهادها (برون سازمانی) توسعه	31	59	
گفت‌وگو (ارتباطات)	12	16	
پایداری اجتماعی	37	100	
اعتماد و انسجام اجتماعی	14	44	
رفاه و کیفیت زندگی	19	39	
توسعه سرمایه اجتماعی	8	12	
توسعه شبکه اجتماعی	2	2	
پژوهش و نوآوری پایدار	42	91	
طراحی و اجرا	20	34	
حمایت مالی و معنوی	19	32	
پایداری فرهنگی	21	63	
ترویج ارزش‌ها	15	25	
حفاظت و حمایت	9	21	
فعالیت فرهنگی	6	9	
توسعه سرمایه فرهنگی	3	3	
اداری و مالی پایدار	24	56	
مالی	17	32	
اداری	12	19	
ارزیابی و گزارش دهی	25	56	
نظارت و ارزیابی	15	29	
گزارش دهی و پاسخ گویی	9	19	

شکل ۱ نمایی از ابعاد و مقوله‌های دانشگاه فرهنگیان پایدار در نرم افزار Nvivo

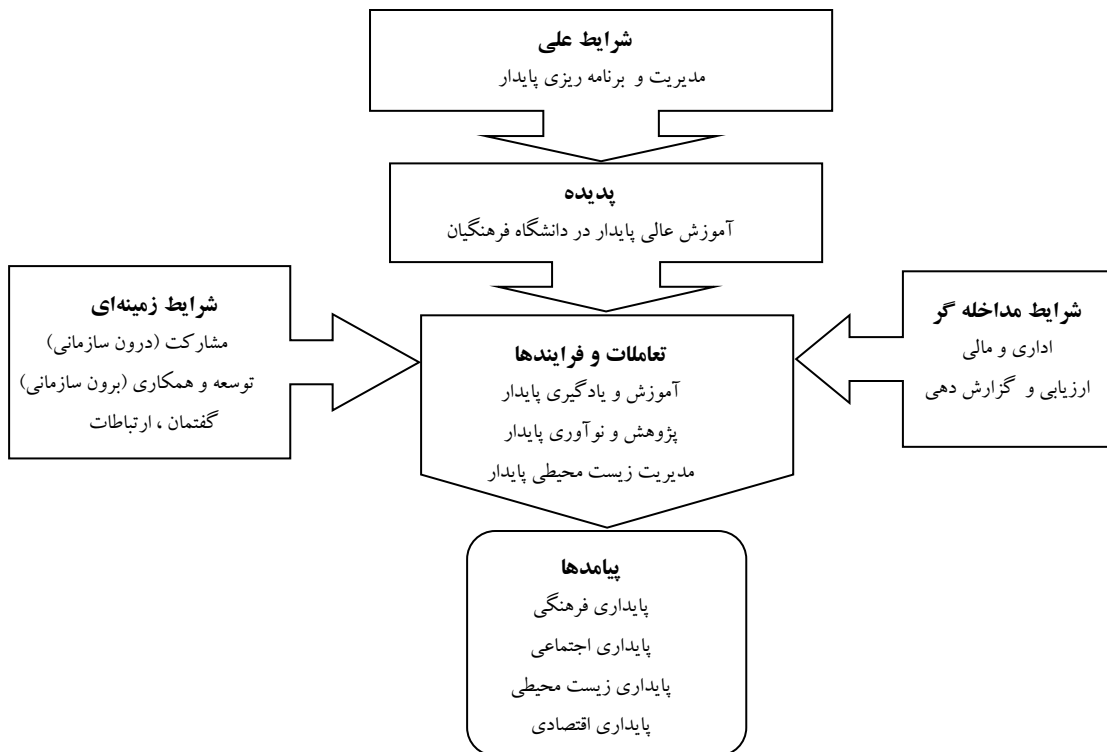
نقشه‌های درختی در نرم افزار Nvivo ابزار مناسبی برای نمایش اجزای پروژه هستند و از آن‌ها می‌توان برای مقایسه بین نودها، منابع یا مقادیر ویژگی‌ها بهره گرفت (رضایت & بهشتی، ۱۳۹۴). شکل ۲ نقشه درختی، سهم هر یک از ابعاد و مقوله‌ها را در دانشگاه فرهنگیان پایدار نشان می‌دهد. مساحت هر مقوله و بعد میزان فراوانی کدها و ارجاع‌ها را نشان می‌دهد.





شکل ۲ نقشه درختی سهم ابعاد و مولفه‌ها در دانشگاه فرهنگیان پایدار

طبق نقشه درختی شکل ۲، به ترتیب بعد مدیریت زیستی، بعد مدیریت و برنامه ریزی پایدار، بعد آموزش و یادگیری پایدار، بعد مشارکت، همکاری و توسعه دینفعان، بعد پایداری اجتماعی، بعد پژوهش و نوآوری پایدار، بعد پایداری فرهنگی، بعد ارزیابی و گزارش دهی و بعد اداری و مالی پایدار، از بیشترین به کمترین سهم را در کدهای ارجاع داده شده در الگوی دانشگاه فرهنگیان پایدار را داشته اند. بر اساس پاسخهای خبرگان و متخصصان در مرحله ی کیفی علاوه بر استخراج ابعاد و مؤلفه ها الگوی پارادایمی دانشگاه فرهنگیان پایدار ترسیم شده است. شکل ۳ الگوی پارادایمی آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان را نشان می دهد.



شکل ۱۳ الگوی پارادایمی آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان





نتیجه گیری

یافته های تحقیق نشان داد که؛ آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان دارای نه بعد «مدیریت زیست محیطی؛ آموزش و یادگیری پایدار؛ مشارکت، همکاری و گفتنمان ذینفعان؛ مدیریت و برنامه ریزی پایدار؛ پایداری اجتماعی؛ پژوهش و نوآوری پایدار، ارزیابی و گزارش دهی پایدار، اداری و مالی پایدار؛ پایداری فرهنگی» و ۲۸ مقوله می باشد. که بعد مدیریت زیست محیطی دارای شش مقوله (طراحی و ساخت پردیس دانشگاه؛ سیستم حمل و نقل پاک؛ مواد غذایی و سلف غذاخوری؛ مدیریت تدارکات و خرید امکانات؛ مدیریت آب، هوا، زمین و انرژی؛ بازیافت زباله و ضایعات)؛ بعد آموزش و یادگیری پایدار دارای سه مقوله (آموزش رسمی، آموزش غیر رسمی و یادگیری)؛ بعد مشارکت، همکاری و گفتنمان ذینفعان دارای سه مقوله (مشارکت درون سازمانی؛ توسعه و همکاری برون سازمانی؛ گفتنمان و ارتباطات)؛ بعد مدیریت و برنامه ریزی پایدار دارای دو مقوله (حاکمیت و مدیریت؛ برنامه راهبردی)؛ بعد پایداری اجتماعی دارای چهار مقوله (اعتماد و انسجام اجتماعی؛ تولید و توسعه سرمایه اجتماعی؛ رفاه و کیفیت زندگی؛ توسعه شبکه اجتماعی)؛ بعد پژوهش و نوآوری پایدار دارای دو مقوله (طراحی و اجرا؛ حمایت مالی و معنوی)؛ بعد ارزیابی و گزارش دهی پایدار دارای دو مقوله (نظارت و ارزیابی؛ گزارش دهی و پاسخ گویی)؛ بعد اداری و مالی پایدار دارای دو مقوله (اداری و مالی) و بعد پایداری فرهنگی دارای چهار مقوله (ترویج ارزش های فرهنگی؛ توسعه سرمایه فرهنگی؛ حفاظت و حمایت؛ فعالیت فرهنگی) است. مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج سایر پژوهش ها نشان داد تقریباً در همه الگوهای ارائه شده برای آموزش عالی پایدار، برخی از مقوله های مزبور به عنوان یکی از مهمترین مقوله ها مطرح شده است.

در این پژوهش، سعی شد تا با بهره گیری از تجارب بین المللی و ملی، الگوی مناسبی با شرایط نظام آموزش عالی کشور و به ویژه دانشگاه فرهنگیان، ارائه گردد. به زعم والازگوئز «پایداری معانی مختلفی برای افراد مختلف دارد، بنابراین هر دانشگاه باید تعریف خود را از مفهوم دانشگاه پایدار داشته باشد». در این پژوهش، برای این منظور طراحی مؤلفه های آموزش عالی پایدار در دانشگاه فرهنگیان با ابعاد نه گانه ی دانشگاه پایدار که از چهار منبع اصلی مورد تحقیق جمع آوری و توسط صاحب نظران مورد تأیید قرار گرفته است به طور خلاصه، این الگو دارای ویژگی های منحصر به فردی است که می توان آن را به عنوان یک الگوی کامل برای آموزش عالی پایدار در نظام آموزش عالی ایران عرضه نمود: اول اینکه برای تدوین این الگو اسناد و مبانی نظری دانشگاه های پایدار در سطح جهان مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، از فونونی مانند یادداشت برداری، مصاحبه و مشاهده استفاده شده دوم اینکه از نظرات و دیدگاه های صاحب نظران و متخصصانی که در این زمینه تحقیق کرده اند و دارای آثار علمی بوده اند و با تجربه حرفه ای مستقیم و یا غیر مستقیم در زمینه آموزش عالی پایدار بوده اند، استفاده شده است. استفاده از دیدگاه این صاحب نظران باعث شده است که الگوی ارائه شده تا حد ممکن متناسب با بافت آموزش عالی کشور و دانشگاه فرهنگیان باشد.

سوم اینکه، ابعاد و مؤلفه هایی در پژوهش حاضر شناسایی و ارائه شده است که در هیچ یک از الگوهای پیشین آموزش عالی پایدار ارائه نشده بود. با توجه به اینکه، آموزش عالی کشورمان در دهه ی اخیر تحولات عظیمی را پشت سر گذاشته است، عوامل کشف شده در این پژوهش را می توان جزء کارکردهای اصلی دانشگاه ها به شمار آورد. چهارم اینکه: در الگوی ارائه شده در این پژوهش علاوه بر توجه به هر سه رکن پایداری شامل بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، برای اولین بار بعد فرهنگی نیز مورد تأکید قرار گرفته است، این در حالی است که در الگوهای داخلی و خارجی به این بعد پرداخته نشده بود. همچنین با ارائه یک بعد با عنوان پایداری اجتماعی این بعد نیز نسبت به الگوهای دیگر پر رنگتر نشان داده شده است. پنجم اینکه: الگوی ارائه شده دارای انعطاف پذیری است. بنابر آنچه از ادبیات پژوهش بر می آید هر مؤسسه باید براساس نیاز و شرایط خاص خود بتواند الگویی از دانشگاه پایدار را ترسیم نماید. الگوی ارائه شده واجد این ویژگی است و به دانشگاه هایی که بخواهند در بحث دانشگاه پایدار مشارکت نمایند این امکان را می دهد که در هر سطحی به سوی دانشگاه پایدار حرکت کنند. در این زمینه از ارائه قالبی که از توان دانشگاه خارج باشد نیز اجتناب شده است. از سویی می توان گفت این الگو امکان آن را به مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه ها می دهد تا آرمان ها، مأموریت ها، سیاست ها و روش های خود را در زمینه ی پایداری عملی نمایند و براساس توانایی ها و قابلیت های خود به شاخص سازی مؤلفه های مطرح شده در زمینه آموزش، پژوهشی، عملیاتی، فرهنگی و اجتماعی اقدام نمایند. البته، ضرورت دارد تمام ابعاد و مؤلفه ها به طور یکسان و متعادل مورد توجه قرار گیرد و از نگاه جزیره ای و برجسته ساختن برخی ابعاد و نادیده انگاشتن برخی دیگر، به جد پرهیز شود. آنچه قابل ذکر است این نکته است که در این پژوهش هیچ یک از ابعاد و مؤلفه ها دارای ارزش با برتری خاص نسبت به دیگری نیستند.

با توجه به یافته های به دست آمده از این تحقیق پیشنهادهای کاربردی براساس هر یک از ابعاد به دست آمده و به دست اندرکاران نظام آموزش عالی کشور به طور عام و دانشگاه فرهنگیان به طور خاص برای تحقق دانشگاه پایدار ارائه شده است.





ABSTRACT

Nowadays integration of sustainability indicators in strategic plans of universities seems more than necessary in social responsiveness to the needs of the society and in achieving the country's sustainable development. The purpose of this study was to identify the components of sustainable higher education at the farhangian University and to provide a model for this university. The purpose of this research is to develop a desirable model for sustainable higher education at the farhangian University, a qualitative research project, and the methodology of the data theory of the foundation. Data collection is carried out using multiple sources matching method, including the collection of theoretical foundations, the underlying principles related to the research variable, the research carried out in this field, and the survey of the key informers' views. Using the software Nvivo11, the process of analysis cycle In three stages, data coding has been done in the field theory (open, pivotal, and selective coding) to reach the main dimensions and categories of continuing education at the farhangian University. These dimensions and categories include nine dimensions and 28 categories Which includes: Environmental management; Sustainable education and learning; Participation, stakeholder dialogue and dialogue; Management and innovation. Sustainable formulating plans; social sustainability, sustainable research and innovation, assessment and reporting, administrative and financial sustainability and cultural sustainability. The model presented in this study is in accordance with the higher education system and university of cultural sciences, in addition to considering the three pillars of sustainability (economic, social and environmental), cultural dimension has also been taken into account, since it is presented in internal models For the sustainable university, the social, cultural and economic dimension of sustainable development has been neglected in relation to the environmental dimension. The need for more attention to social domains, research, monitoring and evaluation, and administrative and financial sustainability of universities, along with Consideration is given to the environmental management of academic space, sustainable education, collaborators and sustainable management. The design of a comprehensive and general model of university sustainability by each of the major universities of the country is proposed in accordance with the Iranian Islamic culture and is tailored to their abilities and missions.

Keywords: Sustainable Higher Education, Sustainable University, Sustainable Development, Sustainable farhangian University

مراجع

- راد، س. ا.، فقهی، ع.، ناطقی، ف.، & معینی، کیا، م. (۲۰۱۷). طراحی مدل دانشگاه پایدار، مبتنی بر مطالعات صورت گرفته در ایران. مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۶(۱۴)، ۱۹۳-۲۱۶. Retrieved from http://miu.nahad.ir/article_۲۱۶-۱۹۳.html۴۷۶.
- رضایت، غ.، & بهشتی، س. ص. (۱۳۹۴). تحلیل داده های کیفی با نرم افزار Nvivo-10. تهران: سخنوران.
- روشن، ا.، زمانی، ا.، & ابراهیمی، س. (۱۳۹۳). توسعه پایدار، سود سه وجهی و آموزش عالی. In مجموعه مقالات دومین همایش آموزش عالی و توسعه پایدار. (p) ص ۶۸۱-۷۰۲. تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- فراهانی فرد، س. (۲۰۱۰). مبانی کلامی توسعه پایدار. فلسفه دین، ۷(۵)، ۴۱-۶۰.
- فهام، ا.، & رضوانفر، ا. (۱۳۹۴). آموزش برای توسعه پایدار در آموزش عالی مبانی و رهیافت ها (اول). تهران: جهاد دانشگاهی واحد صنعتی شریف.
- کریمی، د.، & عنایتی، ا. ا. (۲۰۱۲). آموزش برای توسعه پایدار، مدرسه پایدار. فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۱(۱)، ۵۹-۷۴. Retrieved from http://ee.journals.pnu.ac.ir/article_۷۴-۵۹.html۸۴_۱۵۱.
- ملکی نیاع، ع.، بازرگان، ع.، واعظی، م.، & احمدیان، م. (۱۳۹۳). طراحی الگوی ارزیابی دانشگاه پایدار: مورد مطالعه دانشگاه تهران. تهران: واحد، ر.، شبانی، ک.، & فتحی، ه. (۱۳۹۱). در جستجوی یک نظام آموزش عالی پایدار کشاورزی. In اولین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم. (pp) (۱-۱۷).

Abubakar, I. R., Al-Shihri, F. S., & Ahmed, S. M. (2016). Students' assessment of campus sustainability at the University of Dammam, Saudi Arabia. *Sustainability (Switzerland)*, 8(1), 1-14. <https://doi.org/10.3390/su8010059>

Arroyo, P. (2017). A new taxonomy for examining the multi-role of campus sustainability assessments in organizational





- change. *Journal of Cleaner Production*, 140, 1763–1774. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2015.08.100>
- Cortese, A. D. (1997). The critical role of higher education in creating a sustainable future. *Planning for Higher Education*, 31(3), 15–22. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8659.2012.03183.x>
- Deus, R. M., Battistelle, R. A. G., & Silva, G. H. R. da. (2016). Sustainability insights from the mission statements of leading Brazilian Universities. *International Journal of Educational Management*, 30(3), 403–415. <https://doi.org/10.1108/IJEM-05-2014-0065>
- Lozano García, F. J., Kevany, K., & Huisingh, D. (2006). Sustainability in higher education: what is happening? *Journal of Cleaner Production*, 14(9–11), 757–760. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2005.12.006>
- Lozano, R., Ceulemans, K., Alonso-Almeida, M., Huisingh, D., Lozano, F. J., Waas, T., ... Hugé, J. (2015). A review of commitment and implementation of sustainable development in higher education: Results from a worldwide survey. *Journal of Cleaner Production*, 108, 1–18. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2014.09.048>
- Richardson, A. J., & Kachler, M. D. (2012). University sustainability reporting: A review of the literature and development of a model. *Handbook of Sustainability in Management Education*, (February), 385–405. <https://doi.org/10.4337/9781785361241.00027>

